

چالش‌های نظام کیفری ایران در حوزه جرایم زیست محیطی

دکتر غلامحسین کوشکی*

مقدمه

همراه با توسعه و پیشرفت صنعت و فن آوری در جهان به منظور رفاه بشر، انحراف و مشکلاتی نیز به وجود آمده است. پیشرفت و تعالی بشر در گرو توسعه‌ای «متعادل» و «متوازن» است و نظام حقوقی نقش غیر قابل انکاری در این زمینه بر عهده دارد؛ زیرا هر کدام از بخشهای مختلف در صدد رشد و توسعه خود هستند و در این مسیر ممکن است تنازع و اختلاف به وجود بیاید که نظام حقوقی باید با بهره‌گیری از علوم و دانشهای مختلف خود اصولی را به منظور برقراری تعادل و امنیت از زندگی بشر تعریف و تبیین کنند. «محیط زیست» یکی از زمینه‌هایی است که اگر نظام حقوقی به آن توجه لازم نداشته باشد ممکن است، در زیر چرخهای پیشرفتهای صنعتی و فن آوری که با هدف تأمین رفاه بشر و زیستن راحت و بی‌دغدغه، در حال رشد و توسعه اند، منکوب و نابود شود^۱

بنابراین حمایت و حفاظت از محیط زیست به عنوان یکی از ارزشهای اساسی و اصلی جامعه و یکی از دغدغه‌های نظام حقوقی هر کشوری است به گونه‌ای که حق بر

* عضو هیئت علمی دانشگاه علم و فرهنگ

۱. در همین راستا در نظام حقوقی ایران و به ویژه پس از انقلاب در قوانین برنامه‌ای که جهت‌گیری، راهبردها و سیاست‌های کشور را مشخص می‌کند، توجه فراوانی به مقوله «محیط زیست» شده است، به گونه‌ای که در برنامه چهارم توسعه، محیط زیست به یکی از محورهای شش‌گانه به نام «حفاظت محیط زیست آمایش سرزمینی و توازن منطقه‌ای تبدیل شده است و در مجموع ۱۵ ماده از ۱۶۱ ماده قانون برنامه چهارم به محیط زیست اختصاص داده شده است جهت اطلاع بیشتر مراجعه کنید به: دبیری، فرهاد؛ عباسپور، مجید؛ مکنون، رضا؛ آزادبخت، بی‌تا؛ «جایگاه محیط زیست در قوانین برنامه‌ای پس از انقلاب ایران»؛ مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست دور نهم؛ بهار ۱۳۸۶.

<http://www.lri.ir>

محیط زیست سالم در کنار سایر ارزشهای متعالی و پایه‌ای همانند، حق حیات، حق سلامتی و حق به زندگی با استاندارد قرار گرفته است.^۱ بنابراین سیاستگذاران نظام کیفری به عنوان بخشی از نظام حقوقی باید با توجه به اهداف و اصول حقوق کیفری در این زمینه چاره اندیشی کنند و با اتخاذ تدابیر و سیاستهای مناسب، زمینه تعرض و تجاوز به «محیط زیست» را از بین ببرند و یا آن را تحت کنترل خود قرار دهند. تدبیر و برنامه ریزی مذکور به لحاظ اصل «سلسله مراتبی هنجارها»^۲ نیز لازم و ضروری است. زیرا معمولاً ارزشهای اساسی و مهم جامعه در قانون اساسی منعکس می‌شود. به عبارت دیگر، اصول قانون اساسی متضمن اصول و اهداف کلی جامعه است که دولتها باید با برنامه ریزی و اقدامات تقنینی، اجرایی و قضایی خود زمینه حصول به آنها را فراهم کنند. در همین راستا باید اصل پنجاهم^۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر حمایت و حفاظت از محیط زیست مورد توجه قرار گیرد و بر اساس آن میزان موفقیت نظام کیفری در تضمین و تأمین محیط زیست سالم مورد ارزیابی و بررسی قرار گیرد.

بدیهی است نظام کیفری جهت حصول به اهداف خود باید دارای یک «سیاست کیفری»^۴ منسجم و کارآمد باشد. دست اندرکاران سیاست کیفری در جامعه باید نخست افعال و یا ترک افعالی که می‌تواند در قلمروی حقوق کیفری قرار گیرد، شناسایی کرده و با صراحت و شفافیت لازم آن را در قوانین کیفری منعکس کنند. افراط یا تفریط در این زمینه باعث عدم توفیق سیاست کیفری در اجراء می‌گردد. در مرحله بعد باید متناسب، شدت و وخامت جرائم ارتكابی و ارزشهای نقض شده ضمانتهای کیفری متناسب و بازدارنده پیش بینی شود و در نهایت دست اندرکاران نظام کیفری باید با تعقیب جرائم پیش بینی شده و برگزاری جلسات محاکمه، نقش خود را در این زمینه

۱- مولایی، یوسف؛ «نسل سوم حقوق بشر و حق به محیط زیست سالم»؛ فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی؛ شماره ۴؛ زمستان ۱۳۸۶؛ صص ۲۹۶-۲۷۳.

2 - Hiérarchie des normes

۳- اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌کند که:

«در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی روبه رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است.»

4 - La politique pénale

<http://www.lri.ir>

به خوبی ایفاء کنند. چنانچه چرخه فوق در هر یک از مراحل به خوبی و با دقت اجرا نشود، نظام کیفری در حصول به اهداف خود ناکام می ماند. از سوی دیگر در حل معضلات و مشکلات جامعه نباید بر یک عنصر تکیه کرد و انتظار نابجا از آن داشت. نظام کیفری در زمینه جرائم زیست محیطی نیز به عنوان آخرین حربه مورد توجه است و سایر بخشهای اجتماعی نیز باید رسالت خود را در این زمینه به صورت مطلوب اجراء کنند.

در همین راستا در این مقاله سعی می شود که نخست در پرتو اصول حقوق جزای ماهوی، جرم انگاریها و مجازاتهای مختلف در این زمینه بررسی شود (مبحث نخست) و سپس در پرتو حقوق جزای شکلی سیاستهای نظام کیفری در تعقیب جرائم زیست محیطی بررسی می شود. (مبحث دوم)

مبحث نخست: بررسی جرائم زیست محیطی و مجازاتهای آنها در پرتو اصول حقوق کیفری ماهوی

بند اول) عدم پیش بینی «مجموعه‌ای منسجم و منظم»^۱ به عنوان قانون محیط زیست یکی از اصول اساسی در زمینه سیاست کیفری، پیش بینی مجموعه قوانین منسجم و منظم به منظور تأمین اهداف آن است. سیاستگذاری در زمینه مسائل کیفری متضمن انتخاب آگاهانه و مناسب «جرم انگاریها» و «مجازاتهای» هدفمند است. معمولاً در نظامهای حقوقی نوشته جرائم مذکور در مجموعه قانون مجازات عمومی متجلی می شود و سایر موارد براساس موضوع در مجموعه قوانین تخصصی و فنی گردآوری می شود. مبنای تقسیم بندی مذکور آن است که جرائم عمومی باید در قانون کیفری عمومی جرم انگاری شود، زیرا اصل قانون بودن جرم و مجازات می طلبد که مجموعه جرائم و مجازاتها در یک مجموعه واحد و منسجم بیان شود تا مجموعه تابعان حقوق کیفری با سهولت و به صورت شفاف و روشن با مجموعه جرم انگاریها آشنا شوند. بر این اساس تا جایی که امکان داشته جرم انگاریها باید در قانون کیفری عمومی منعکس شود.

۱. در تعابیر حقوقی از چنین مجموعه منظم، منسجم و هدفداری به عنوان «کد» یاد می کنند.

در کنار قانون کیفری عمومی، قوانین تخصصی پراکنده‌ای وجود دارد که برای سامان دادن به امور فنی و تخصصی ایجاد شده‌اند. «محیط زیست» نیز یکی از موضوعات فنی و تخصصی است که نیازمند تدوین مجموعه‌ای واحد و منسجم است. این شیوه در عمل فواید زیادی به دنبال دارد، زیرا در اثر این اقدام، مجموعه مواد قانونی از انسجام و نظم بیشتری برخوردار می‌گردند و قانونگذار به منظور ارتباط با مواد قانونی، دقت و توجه بیشتری می‌کند. شاید به این مطلب چنین پاسخ داده شود که این موضوع امری شکلی است و چندان اهمیتی ندارد. حال آنکه این موضوع در حقیقت برگرفته از اصل قانونی بودن جرم و مجازات است. زیرا یکی از آثار اصل قانونی بودن جرم و مجازاتها آن است که مجموعه جرم انگاریها و مجازاتها به صورت صریح و روشن و شفاف بیان شود. وجود قوانین متعدد و افزایش جرم انگاریها باعث سردرگمی تابعان حقوق کیفری می‌شود به گونه‌ای که گاهی قضات که مجری قوانین هستند، از تشخیص ناسخ و یا منسوخ بودن مجموعه مقررات عاجز می‌مانند، چه رسد به شهروندان عادی که موضوعات قوانین کیفری‌اند. همین موضوع باعث نادیده گرفتن اصل قانونی بودن جرم و مجازات می‌شود. بنابراین جرم انگاریها باید در قالب الفاظ و واژه‌های صریح و روشن به شکلی روشن و در قالب قوانین مشخص اعلام گردد تا در عمل مجریان دچار تشکیک و ابهام نشوند و سلیقه و تبعیض حاکم نگردد. چنین رویه‌ای باعث تسهیل سیاستگذاری در آن موضوع می‌شود، زیرا هنگامی که یک «کد» و یا مجموعه قانون تنظیم می‌شود، معمولاً روح واحدی بر آن حاکم است و قانونگذار یا سیاستگذار اهداف مشخص برای آن در نظر می‌گیرد و بدین لحاظ جرم انگاریها و مجازاتها با توجه به آن اهداف کلی تنظیم و تنسيق می‌شود. «مثله کردن قوانین کیفری» در امور محیط زیست باعث پراکندگی سیاستها و برنامه‌ها و عدم هماهنگی لازم میان آنها می‌گردد. با دقت در قوانین کیفری محیط زیست در ایران، می‌توان آشفتگی سیاستهای حاکم بر جرائم و مجازاتهای پیش‌بینی شده را ملاحظه کرد. در نظام کیفری ایران در این خصوص رویه‌ای تلفیقی در پیش گرفته شده است و جرم انگاریهای راجع به محیط زیست در قانون مجازات اسلامی و در قوانین پراکنده منعکس شده است.

الف) قانون مجازات اسلامی

در قانون مجازات اسلامی، قانونگذار ماده ای عام و کلی در این مورد وضع کرده است که می توان آن را ناظر به جرائم زیست محیطی در مفهوم عام دانست. به موجب ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیر بهداشتی فضولات انسانی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابانها و کشتار غیر مجاز دام، استفاده غیر مجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه خانه ای فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می باشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد. چنانچه ملاحظه می شود در صدر ماده قانونگذار از واژه «تهدید علیه بهداشت عمومی» استفاده شده است و این توهّم را در ذهن ایجاد می کند که ماده مذکور ناظر به جرائم زیست محیطی نمی باشد. این ابهام با مراجعه به تبصره یک همان ماده اصلاحی سال ۱۳۷۶ رفع می شود. زیرا در این تبصره تهدید علیه «بهداشت عمومی» و آلودگی محیط زیست در کنار هم آمده است و در واقع این دو مفهوم را می توان مترادف یکدیگر قلمداد کرد. بدیهی است مصادیق آلودگی محیط زیست یا تهدید علیه بهداشت عمومی حصری نیست

بلکه جنبه تمثیلی دارد که با توجه به تبصره ۱ ماده مذکور تشخیص آن حسب مورد بر عهده وزارت بهداشت، درمان آموزش پزشکی، سازمان محیط زیست و سازمان دامپزشکی خواهد بود.^۱ ضمن اینکه در تبصره ۲ همین ماده آلودگی محیط زیست تعریف شده است.^۲

۱. برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید به: قاسمی، ناصر؛ حقوق کیفری محیط زیست (مطالعه تطبیقی در حقوق ملی و بین المللی)؛ انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست؛ چاپ اول؛ سال ۱۳۸۰؛ ص ۴۰
۲. «منظور از آلودگی محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد، تغییر دهد».

ب) قوانین پراکنده

در قوانین متفرقه و پراکنده و به صورت خاص جرم انگاریهایی صورت گرفته است که بر وسعت جرائم حوزه زیست محیطی افزوده است. بدیهی است سیاست واحدی در زمینه جرم انگاریها و مجازاتها در این قوانین ملاحظه نمی شود.

آتش زدن اموال و منابع طبیعی^۱، شکار و صید غیر مجاز^۲، تخریب منابع طبیعی^۳، آلودگی آب^۴، آلودگی هوا^۵، آلودگی خاک^۶، آلودگی شیمیایی و هسته ای^۷ و آلودگی ناشی از زباله از جمله این موضوعات می باشد که در قوانین مختلف اشاره شده است.

۱. ماده ۶۷۵ قانون مجازات اسلامی.

۲. مواد ۱۰ تا ۱۳ قانون صید و شکار مصوب ۱۳۴۶؛ ماده ۱ قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات قاچاقچیان مسلح مصوب ۱۳۵۰؛ ماده ۱۳ قانون حفاظت دریاها و رودخانه های مرزی از آلودگی با مواد نفتی مصوب ۱۳۵۴؛ ماده ۱ لایحه قانونی مجازات صید غیر مجاز از دریای خزر و خلیج فارس مصوب ۱۳۵۸؛ ماده ۱۸ قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۱۳۷۲؛ ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴؛ ماده ۲ آیین نامه احداث و استفاده از تأسیسات در فلات قاره و منطقه انحصاری و اقتصادی ایران در خلیج فارس مصوب ۱۳۷۴؛ مواد ۶۷۹، ۶۸۰ و ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی.

۳. مواد ۴۲ تا ۴۷ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع مصوب ۱۳۴۶؛ مواد ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ قانون شکار و صید؛ ماده واحده لایحه قانونی جلوگیری از هرگونه تجاوز و تصرف عدوانی و غصب و مزاحمت و ممانعت از حق نسبت به املاک مزروعی، باغات و قلمستانها، منابع آب، همچنین تأسیسات کشاورزی و دامداری و کشت و صنعت و جنگلها و اراضی ملی شده و ملی واقع در داخل و یا خارج از محدوده شهرها و روستاها مصوب ۱۳۵۸؛ مواد ۱ و ۶ لایحه قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۷۱؛ مواد ۶۷۵، ۶۸۴، ۶۸۶، ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی.

۴. ماده ۱۱ قانون طرز جلوگیری از بیماریهای آمیزشی و بیماریهای واگیر در مصوب ۱۳۲۰؛ ماده ۶۰ قانون آب و نحوه ملی شدن آب مصوب ۱۳۴۷؛ ماده ۴۶ قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱؛ بند «د» ماده ۱۲ قانون شکار و صید؛ ماده ۲ قانون حفاظت دریا و رودخانه های مرزی از آلودگی با مواد نفتی مصوب ۱۳۵۴؛ ماده ۱۱ قانون اراضی مستحدثت مصوب ۱۳۵۴؛ بند ز ماده ۶ قانون اراضی مستحدثت؛ بند «ز» ماده ۶ قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴.

۵. ماده ۲ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴؛ قانون نفت مصوب ۱۳۶۶؛ قانون ممنوعیت ایجاد تأسیسات و کارگاههای مضر بهداشت و آسایش در شهرها و حومه مصوب ۱۳۲۸؛ قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴ با اصلاحات بعدی، آیین نامه اجرایی تبصره ماده ۶ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا و مصوبه ۱۳۶۹/۹/۲۱ هیأت وزیران راجع به آلودگی هوا؛ ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی.

بند دوم) عدم شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در زمینه جرائم زیست محیطی

در مورد مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی، همگان توافق دارند، اما در خصوص مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی اختلاف نظر وجود دارد؛ با این همه با توجه به اهمیت نقش و نفوذ اشخاص حقوقی، اکثر حقوقدانان بر این باورند که در قوانین کیفری، باید اشخاص حقوقی دارای مسئولیت باشند؛ زیرا جرائمی که توسط اشخاص حقوقی ارتکاب می‌یابد به مراتب بیشتر و مهم‌تر است. طرح بحث مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در اینجا بیشتر از این جهت است که بسیاری از جرائم محیط زیست توسط اشخاص حقوقی، یعنی کارخانجات و کارگاهها و شرکتها ارتکاب می‌یابد.^۲ بدیهی است که این مشکل ابتدا باید در کلیات قانون مجازات اسلامی اصلاح گردد و قانونگذار به صورت کلی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به رسمیت بشناسد و آنگاه متناسب با شخص حقوقی، ضمانت اجرای کیفری مناسب را برای او در نظر بگیرد. بدیهی است با شناسایی و به رسمیت شناختن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی قانونگذار باید در قانون آیین دادرسی کیفری قواعد و مقررات مخصوص را در نظر بگیرد. در حال حاضر با بررسی رویه قضایی می‌توان متوجه شد که پرونده‌های ناظر به اشخاص حقیقی با سرعت بیشتری به آنان رسیدگی می‌شود و منجر به صدور رأی می‌شود و به علاوه مجازاتهای مختلف از قبیل حبس، شلاق و جزای نقدی با شدت بیشتری نسبت به آنان اعمال می‌گردد. ولی در موردی که متخلفین و مجرمین اشخاص حقوقی هستند، علاوه بر اینکه رسیدگی به پرونده آنان بسیار کند بوده و گاهی اوقات چندین سال طول می‌کشد، مجازاتهای مقرر در قانون نیز با شدت وحدت بسیار

۱. ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و تبصره آن؛ ماده ۱۱ قانون اراضی مستحدث ساحل مصوب ۱۳۵۴؛ ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی.

۲. مواد ۱۸ و ۱۹ قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب ۱۳۶۸؛ بند ۴ ماده ۲ قانون تأسیس سازمان انرژی اتمی ایران؛ ماده ۶ قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۱۳۷۲؛ ماده ۱۰ آیین نامه بهداشت محیط مصوب ۱۳۷۱.

۳. قوام، میر عظیم؛ حمایت کیفری از محیط زیست؛ انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست؛ ۱۳۷۵؛ ص ۹۹.

کمتری نسبت به اشخاص حقیقی مسئول و یا مدیر آنان بکار می رود.^۱ از سوی دیگر، گاهی اوقات قضات محاکم به جای توجه به قوانین و مقررات، ملاحظات و توجیهات غیر قانونی مستند رأی خود قرار می دهند.^۲

بنابراین ضروری است که قانونگذار با توجه به تحولاتی که در حوزه کیفری رخ داده است، تغییرات و اصلاحات لازم را در قوانین ایجاد کند. البته در نظام حقوقی ایران در قبال جرائم زیست محیطی به صورت محدود و جزئی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی پذیرفته شده است. به عنوان مثال ماده ۱۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست را می توان جلوه ای از مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی دانست که منجر به تعطیلی کارگاه و یا کارخانه می شود.^۳ البته تدبیر فوق اقدامی اداری محسوب می شود ولی در صورت تأیید دادگاه، می توان آن را یک نوع تعطیلی دانست که مرجع قضایی نیز آن را تأیید کرده است. در برخی مصادیق دیگر قانونگذار به صورت روشن تر مسئولیت کیفری شخص حقوقی را با تحمیل مجازات بر مسئولان و دیگر اشخاص حقیقی کارخانه و یا کارگاه به رسمیت شناخته است. به موجب ماده ۲۹ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا صاحبان و مسئولین کارخانجات و کارگاهها و شهرکها و مجتمع های صنعتی آلوده کننده که بر خلاف مواد ۱۴ و ۱۶ و ۱۸ آن قانون عمل نماید برای بار اول به جزای نقدی از دو میلیون ریال تا پنج میلیون ریال و در صورت تکرار به حبس تعزیری از دو ماه تا شش ماه و جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا ده میلیون

۱. منبع پیشین؛ ص ۱۵۶.

۲. به عنوان مثال در یک مورد قاضی در مورد پرونده ای چنین اظهار نموده است: با توجه به اینکه نصب و تعبیه دستگاه تصفیه برای واحد آلوده کننده پر هزینه و گران می باشد، قاضی آن واحد را تبرئه نموده است. به نقل از قوام، میر عظیم؛ حمایت کیفری از محیط زیست؛ ص ۱۵۶

۳. ماده ۱۱ مقرر می دارد که:

«سازمان با توجه به مقررات و ضوابط مندرج در آیین نامه های مذکور در ماده ۱۰ کارخانجات و کارگاههایی که موجبات آلودگی محیط زیست را فراهم می نمایند مشخص و مراتب را کتباً با ذکر دلایل بر حسب مورد به صاحبان یا مسئولان آنها اخطار می نماید که ظرف مدت معینی نسبت به رفع موجبات آلودگی مبادرت یا از کار و فعالیت خودداری کنند. در صورتیکه در مهلت مقرر اقدام ننمایند به دستور سازمان از کار و فعالیت آنها ممانعت به عمل خواهد آمد. در صورتیکه اشخاص ذینفع نسبت به اخطار یا دستور سازمان معترض باشند می توانند به دادگاه عمومی محل شکایت نمایند، دادگاه فوراً و خارج از نوبت به موضوع رسیدگی می کند و در صورتیکه اعتراض را وارد را تشخیص دهد رأی به ابطال اخطار یا رفع ممانعت خواهد داد. رأی دادگاه قطعی است.»

ریال محکوم می شوند. با این وصف به نظر می رسد که در قوانین کیفری، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به صورت تئوری‌ای منسجم مورد پذیرش واقع نشده است. با مطالعه تطبیقی در قوانین کیفری می توان پی برد که امروزه اکثر کشورها قائل به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی‌اند.

سؤالی که ممکن است در اینجا مطرح شود این است که در شرکتهای آلاینده محیط زیست مسئولیت کیفری شخص حقوقی چگونه اعمال می شود؟ آیا همزمان علاوه بر مسئولیت کیفری شرکت، کارگزاران و اشخاص حقیقی موثر در اتخاذ تصمیمات شرکت نیز دارای مسئولیت کیفری‌اند؟ در پاسخ به این سوال باید گفت که دکتین به این نظر تمایل دارد که شخص حقوقی و کارگزاران آن همزمان مسئولیت کیفری داشته باشند. مسئولیت کیفری مشترک محرک خوب، کافی و موثری برای شرکت‌ها بوجود می‌آورد تا مراقبت و نظارت لازم را نسبت به کارگزارانشان اعمال کنند و از سوی دیگر پذیرش این نظر مانع سوء استفاده از موقعیت شرکتها می شود^۱.

در صورت پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به منظور کارآمدی و ارتقاء میزان تأثیر مجازاتها، باید مجازاتهای خاصی متناسب با اشخاص حقوقی در قوانین کیفری در نظر گرفت. به عنوان مثال مطابق مقررات نظام حقوقی فرانسه در صورت تخطی اشخاص حقوقی در زمینه محیط زیست مجازاتهایی طراحی شده است. یکی از این مجازاتها جزای نقدی است که البته میزان جزای نقدی در مورد اشخاص حقوقی با توجه به توانایی و امکانات آنها، پنج برابر مبلغ اشخاص حقیقی در مورد همان جرائم است. همچنین در صورتی که شخص حقوقی مرتکب جرمی گردد که آن جرم نسبت به شخص مستوجب سه سال حبس و یا بیشتر باشد، شخص حقوقی منحل می شود. تحت مراقبت قضایی قرار دادن اشخاص حقوقی و نیز اعلام رأی از طریق مطبوعات و رسانه ها به مردم از مهمترین مجازاتهای اشخاص حقوقی است.

بند سوم) پاسخ‌های کیفری به جرائم زیست محیطی

۱. عبداللہی، محسن؛ «حمایت کیفری از محیط زیست: تأملی بر بایسته‌های حقوق کیفری زیست محیطی؛ علوم محیطی؛ سال پنجم؛ شماره اول؛ پاییز ۱۳۸۶ صص ۱۱۱-۱۱۲

به منظور وصول به اهداف حقوق کیفری باید پاسخ‌های کیفری مناسب و مقتضی را طراحی، تدوین و اجرا کرد. بدیهی است چنانچه با دقت لازم ضمانت اجرای کیفری مناسب پیش بینی نگردد، نظام عدالت کیفری در وصول به اهداف خود ناکام باقی می‌ماند. از دو بعد می‌توان پاسخ‌های کیفری را نسبت به جرائم زیست محیطی مورد مطالعه قرار داد؛ از یک سو، باید متناسب با اصول مختلف حقوق کیفری، نحوه انتخاب ضمانت اجرای کیفری متناسب با شدت و وخامت جرائم ارتكابی متناسب را مورد مطالعه و بررسی قرار داد و از سوی دیگر نحوه برخورد و مواجهه قضات با مجازاتهای پیش بینی شده در قوانین کیفری نیز باید همواره مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. محیط زیست یکی از مقوله‌های مهم می‌باشد که اخیراً حقوق کیفری، ضمانت‌های اجرایی برای حفظ آن در نظر گرفته است. بدیهی است معیارهای انتخاب و تعیین کیفر باید به صورت منظم و منسجم توسط سیاست‌گذاران طراحی و تدوین شود. یکی از معیارهای توفیق یا عدم توفیق ضمانت‌های اجرایی کیفری در عمل، ایجاد بازدارندگی است. به گونه‌ای که اشخاص مرتکب جرم، دوباره مرتکب جرم نشوند و سایر تابعان حقوق کیفری نیز با توجه به نوع کیفر انتخاب شده، ارتكاب جرم را به عنوان ابزاری برای نیل به اهداف خود انتخاب نکنند.

آنچه که در مورد جرائم زیست محیطی اهمیت دارد آن است که بیشتر جرائم زیست محیطی توسط اشخاص مطلع جهت رسیدن به سود بیشتر و با محاسبه قبلی صورت می‌گیرد. بنابراین چنانچه مجازاتهای انتخابی توسط قانونگذار موازنه فوق را به نفع حفاظت از محیط زیست سنگین نکند، شاهد عدم تأثیر مناسب مجازاتها در عمل خواهیم بود. با ملاحظه قوانین و مقررات محیط زیست می‌توان استنباط کرد که این مجازاتها فاقد انسجام و معیار منطقی‌ای هستند.

الف) حبس
حبس یکی از مجازاتهای متداول نظام کیفری است که از آن فراوان استفاده می‌شود. در قوانین زیست محیطی در ایران نیز به وفور از آن استفاده شده است.^۱ بر

۱. آشوری، محمد؛ جایگزین‌های زندان یا مجازاتهای بینابین؛ نشر گرایش؛ ۱۳۸۲؛ ص ۲۰۸

خلاف این موضوع، رویه قضایی کمتر از مجازات حبس استفاده می‌کند و در احکام دادگاهها کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. پاره‌ای از آرای که صادر شده، حبس که پاسخ اصلی جرم زیست محیطی بوده است، جای خود را به جزای نقدی داده است. این موضوع بیانگر آن است که دادگاهها تمایل زیادی به اعمال این پاسخ ندارند، در حالی که حمایت گسترده و مؤثر از محیط زیست به ویژه در شرایط خاص ایجاب می‌کند که گاهی اوقات در قبال جرم زیست محیطی واقع شده پاسخ مناسب و حتی شدیدی مانند حبس مورد استفاده قرار گیرد.

ب) جزای نقدی

جزای نقدی عبارت است از مبلغی وجه نقد که مجرم به عنوان مجازات مکلف به پرداخت آن است.^۱ جزای نقدی یکی از شایع‌ترین مجازاتهایی است که در زمینه جرائم زیست محیطی به صورت مستقل و یا ترکیبی با سایر مجازاتها مورد استفاده قرار گرفته است. مهم‌ترین عیب جزای نقدی به عنوان یک مجازات، تأثیر پذیری جریمه نقدی از نوسان‌های ارزش پول رایج است. از این رو قانونگذار ناگزیر است هر چند وقت یکبار، مبلغ جریمه‌های نقدی را با وضعیت اقتصادی کشور سازگار کند. البته با توجه به اینکه فرآیند قانونگذاری زمان طولانی‌ای را به خود اختصاص می‌دهد، عملاً

علی آبادی، عبدالحسین؛ حقوق جنایی؛ جلد دوم؛ چاپ اول؛ انتشارات فردوسی، ۱۳۶۸؛ ص ۱۱۲.
۱. مجازات حبس با مدتهای مختلف در قوانین کیفری محیط زیست در نظر گرفته شده است که در ذیل به بخشی از آنها اشاره می‌شود:

(۱) ماده ۴۷ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع کشور مقرر می‌دارد که:
«هر کس در جنگل عمداً آتش سوزی ایجاد کند به حبس جنایی درجه دو از سه تا ده سال محکوم خواهد شد.»
(۲) به موجب ماده ۶۷۵ قانون مجازات اسلامی اگر کسی سبب آتش سوزی در طبیعت و منابع طبیعی و اموال گوناگون مذکور در این ماده شود به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهد شد.
(۳) به موجب ماده ۵۵ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع اگر کسی به قصد تصرف منابع ملی (درخصوص جنگل‌های کشور) این منابع را مورد تجاوز قرار دهد، به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد.

(۴) به موجب ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی اگر کسی بهداشت عمومی را مورد تهدید قرار دهد، مانند اینکه آب آشامیدنی را آلوده کند یا آب آشامیدنی آلوده توزیع کند و سایر موارد مذکور در ماده، به مجازات حبس تا یک سال محکوم خواهد شد به شرط اینکه بر طبق قوانین خاص مجازات شدیدتری برای آن مقرر نشده باشد.

از کارایی و تأثیرگذاری مجازات جزای نقدی در این زمینه می‌کاهد. راه حلی که در این زمینه به نظر می‌رسد آن است که قانونگذار با توجه به شرایط اقتصادی کشور و با توجه به اهمیت جرم، مبلغ متناسب جزای نقدی را تعیین کند و سالانه به قوه قضائیه اجازه دهد که با توجه به میزان اعلامی نرخ تورم سالانه از سوی بانک مرکزی، مبالغ و مقادیر جزای نقدی را نیز افزایش دهد تا وصف بازدارندگی آن از بین نرود. هم‌اکنون در قوانین حوزه محیط زیست با توجه به قدیمی بودن بعضی از قوانین مبالغی مشاهده می‌شود که فاقد اوصاف لازم و مناسب جهت تأثیرگذاری می‌باشد. مبالغ جزای نقدی در قوانین محیط زیست از پانصد ریال تا پنج میلیون ریال در بر می‌گیرد که نیازمند بازنگری جدی قانونگذار است^۱. البته به نظر می‌رسد که با توجه به ماده ۶۸ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۰، دولت می‌تواند هر سه سال یکبار در میزان جریمه‌های نقدی تغییرات لازم را به وجود آورد. با این وصف ملاحظه می‌شود که براساس این ماده تغییراتی که دولت در زمینه جزای نقدی بوجود آورده

۱. مبالغ جزای نقدی طیف وسیعی از جرائم زیست محیطی را در بر می‌گیرد که به برخی از آنها اشاره شده است:

(۱) پانصد ریال تا پنجاه هزار ریال
ماده ۱۳ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳/۳/۲۸ و اصلاحات ۱۳۷۱/۸/۲۴ مقرر میدارد که: «کسانیکه از مقررات و ضوابط مذکور در آیین نامه‌های موضوع ماده ۱۰ تخلف نمایند بر حسب مورد که در آیین نامه‌های مربوط تعیین خواهد شد به جزای نقدی از پانصد ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد.»

(۲) پانصد هزار ریال تا یک میلیون ریال
ماده ۲۹ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مقرر می‌دارد که: «صاحبان و مسئولین کارخانجات و کارگاههای آلوده کننده که برخلاف ماده ۱۴ و ۱۶ و ۱۷ این قانون عمل نمایند برای بار اول به جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا یک میلیون محکوم می‌شوند.

۲. ماده ۶۸ مقرر می‌دارد که:
«به دولت اجازه داده می‌شود براساس پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و متناسب با عواملی همانند کاهش هزینه‌های دولتی ناشی از اصلاح ساختار اداری و کاهش نیروی انسانی و نرخ تورم، هر سه سال یک بار نسبت به کاهش یا افزایش مبالغ ریالی مشخص مندرج در قوانین و مقررات در زمینه جرائم، تعرفه‌ها و خدمات دولتی، حقوق دولتی و عناوین مشابه با رعایت مفاد برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران اقدام و مراتب را ابلاغ نماید.»

است کافی نبوده است.^۱ در این خصوص باید مبالغ جزای نقدی براساس واقعیت‌ها و با همکاری کارشناسان اقتصادی جامعه تنظیم و ارائه شود. در ماده ۶۸ قانون فوق‌الذکر دولت الزام ندارد که براساس نرخ تورم مبالغ جزای نقدی را تعیین کند، بلکه در این ماده اختیار دولت وسیع است و نرخ تورم به عنوان یکی از معیارها تلقی می‌شود. از سوی دیگر به نظر می‌رسد که با توجه به وصف بازدارندگی و تأثیر گذاری مجازاتها، سه سال مذکور باید به هر سال تقلیل پیدا کند و مجازاتها با سایر موارد مذکور در ماده ۶۸ که از جنس تعرفه و خدمات است متفاوت است. با این حال، مقرر فوق یکی از امتیازات نظام حقوقی ایران است که نیازمند تکمیل است.

ج) مصادره و ضبط اموال

مصادره و ضبط اموال یکی از مجازاتهای مؤثر در زمینه جرایم زیست محیطی است که زمینه ارتکاب جرایم زیست محیطی را که بیشتر سود و منفعت می‌باشد از بین می‌برد. به عنوان مثال در بند ج ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران عنوان شده است که شرکت سهامی شیلات ایران می‌تواند صیادانی که مرتکب جرم و یا جرائم مذکور در آن بند شده‌اند را به دادگاه معرفی کند. دادگاه صالح نیز با در نظر گرفتن مراتب و درجات جرم ارتكابی، شخص را علاوه بر جزای نقدی به مصادره محصولات صیادی و ابزار آلات صید محکوم کند. بنابراین ضروری است که قانونگذار موارد مصادره و ضبط اموال را در قوانین مورد ارزیابی قرار دهد و مصادیق آن را در مواردی که احساس نیاز می‌شود، تسری دهد.

مبحث دوم: بررسی سیاستهای تعقیب دعاوی زیست محیطی از منظر حقوق جزای شکلی

حقوق کیفری با تعیین و انتخاب جرم انگاریها و ضمانت اجرای مناسب، به تمامی اهداف خود نائل نمی‌شود. بلکه باید در کنار موضوعات فوق، سیاست منسجم و منظمی جهت تعقیب دعاوی زیست محیطی نیز داشته باشد. برای اینکه این مهم

۱. به عنوان مثال به اصلاحیه مصوبه شماره ۱۶۴۰/ت/۲۵۵۵۷ هـ مورخ ۱۳۸۳/۲/۱۹ هیأت وزیران در مورد جریمه نقدی مندرج در مواد ۲۸ و ۲۹ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا رجوع کنید که بالاترین مبلغ اعلام شده ده میلیون ریال می‌باشد

عملی گردد، نخست باید سیاستهای تعقیب دعاوی زیست محیطی سالانه تعریف و تبیین شود و دوم ضابطین دادگستری متخصص در این زمینه وجود داشته باشد آنها همواره از آموزشهای تخصصی لازم برخوردار شوند. سوم قضات تخصصی و مراجع قضایی تخصصی مخصوصاً در مناطقی که محیط زیست بیشتر در معرض خطر هستند، ایجاد شود و در این زمینه همواره آموزشهای لازم وجود داشته باشد تا قضات کیفری با حساسیت موضوع آشنا گردند و نسبت به این جرائم واکنش لازم و مناسب از خود بروز دهند. چهارم باید نحوه اعلام و گزارش دهی جرائم مذکور اصلاح شود و بالاخره سازمانهای غیر دولتی بتوانند نقش خود را در این زمینه به خوبی ایفاء کنند.

بند اول) ضابطان دادگستری خاص برای کشف و تعقیب جرائم زیست محیطی

ضابطان دادگستری در یک تقسیم بندی کلی براساس جرائمی که تعقیب می کنند و ماهیت وظایف و اختیاراتی که بر عهده دارند به دو دسته عام و خاص تقسیم می شوند. ضابطان عام صلاحیت کشف و تحقیق در مورد کلیه جرائم دارند مگر مواردی که قانونگذار استثناء کرده باشد و ضابطان خاص مأمورانی هستند که صلاحیت کشف و تحقیق در مورد جرمی ندارند مگر آنکه قانونگذار آن را مشخص کرده باشد. بر این اساس در نظام دادرسی کیفری ایران مطابق ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ضابط عام محسوب می شود و سایر ضابطان بر حسب قوانین و مقررات خاص و در محدوده خاصی که مشخص شده است، ضابط خاص به شمار می آیند.

خوشبختانه قانونگذار ایرانی با درک ضرورتهای اجتماعی، در قوانین مختلف ضابطان خاص را برای کشف و تعقیب جرائم زیست محیطی اختصاص داده است.

به موجب ماده ۱۵ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، مأمورین سازمان که از طرف سازمان مأمور کشف و تعقیب جرائم مذکور در این قانون می شوند در صورتیکه وظایف ضابطان دادگستری را در کلاس مخصوص زیر نظر دادستان عمومی گذرانده باشند، از لحاظ اجرای قانون موصوف و قانون شکار و صید در ردیف ضابطان دادگستری محسوب می شوند. نکته قوت این ماده آن است که وجود تعلیم و آموزش

توسط دادستان در این ماده الزامی است. البته با توجه به مهم و خطیر بودن وظایف ضابط، شایسته بود که قانونگذار جزئیات صلاحیت و احراز وصف ضابط بودن را مشخص می‌کرد و همچنین احراز ضابط بودن را منوط به اخذ مجوز از سوی دادستان شهرستان می‌کرد. زیرا در حقیقت، این مأموران به لحاظ کشف جرم و تعقیب، تحت نظر دادستان انجام وظیفه می‌کند^۱. بنابراین ارتباط میان آنها و دادستان باید سازمان یافته تر و منظم تر باشد. از سوی دیگر برای حسن انجام وظایف مربوط به ضابطه بودن، شایسته بود که تشویق و یا تنبیه دادستان مربوطه در قبال وظایف آنان در پرونده آنها ثبت و منشاء اثر می‌شد.

بند دوم) برگزاری دوره های آموزش خاص برای ضابطان و قضات

اگر قوانین مربوط به محیط زیست با دقت و با توجه به اصول و اهداف نظام حقوقی کیفری تهیه و تنظیم شوند، اما متصدیان اجرایی از قبیل ضابطان و قضات به اهداف قوانین مربوط، اعتقاد و باور نداشته باشند، نظام عدالت کیفری در نیل به اهداف خود دچار گسست شده و عملاً در این حوزه توفیقی بدست نمی‌آید. چنانچه در بخشهای قبلی بیان شد رویه قضایی کشور در جرائم زیست محیطی بر مسامحه و ارفاق استوار است و یکی از دلایلی که باعث چنین وضعیتی شده است آن است که در اذهان قضات و ضابطان دادگستری، ارزشهای زیست محیطی، چندان مهم و چشمگیر جلوه نمی‌کند. بنابراین به استفاده از ابزارهای کیفری در جهت حل معضلات زیست محیطی، تمایلی بروز نمی‌دهند و شاید از نظر آنان موضوعات زیست محیطی به اندازه سایر جرائم مهم نباشد. در حالی که چنانچه بیان شد، امروزه «محیط زیست» در کنار سایر ارزشهای اساسی، چون حق حیات قرار گرفته است. بنابراین با توجه به فنی بودن این جرائم و با توجه به اینکه دانشجویان حقوق و ضابطان دادگستری در طول دوران

۱. به موجب صدور ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری: «ضابطین دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌نمایند...»

تحصیل خود کمتر با این حوزه های فنی آشنا می شوند، ضروری است که دوره آموزشهای کوتاه مدت و بلند مدت برای آنان اجرا شود، سیاست جنایی قضایی کشور نیز همگام با سایر زمینه ها در این حوزه رشد کند.

بند سوم) مشارکت سازمانهای غیر دولتی در جرائم زیست محیطی

امروزه سازمانهای غیر دولتی از دو جهت به نظام عدالت کیفری در راستای تحقق اهداف خود کمک می کنند. از یک سو، آنان با ایفای وظایف خود در زمینه اعلام و گزارش جرائم، نظام عدالت کیفری را در کشف و تعقیب جرائم کمک می کنند و از سوی دیگر با نقش آفرینی خود در فرایند کیفری به بزه دیدگان خاص یاری می رسانند. در کنار اقدامات مذکور با حساس سازی افکار عمومی و تبلیغات و اطلاع رسانی به موقع خود، نقش مهمی در حمایت از محیط زیست می توانند ایفاء کنند. هراندازه بسترهای فرهنگی و اجتماعی لازم در جامعه موجود باشد، نظام عدالت کیفری با سرعت و کیفیت بیشتری به اهداف خود نائل می شود.

بدین ترتیب به منظور حفاظت و حمایت از محیط زیست نیازمند تشکلهای ساختارهای سازمان یافته مردمی جهت تکمیل برنامه های دولتی هستیم. این تشکلهای می توانند با توجه به ارزشهای فرهنگی و اجتماعی کشور، زمینه مشارکت موثر مردم را برانگیزند.^۱ با توجه به اینکه موضوع محیط زیست نیازمند فرهنگ سازی و توجه اقشار مختلف است سازمانهای غیر دولتی در این راستا می توانند نقش فعالی را ایفاء کنند. با تأمل در مقررات نظام دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ می توان در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰ و قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری می توان پی برد که هیچ گونه نقش حمایتی ای برای مشارکت این قبیل مجامع در فرآیند کیفری پیش بینی نشده است. تنها حقی که برای آنها در نظر گرفته شده است این است که آنها مانند سایر شهروندان اعلام جرم کنند و مقامات قضایی در راستای اعلام جرم آنها، چنانچه سایر اوضاع و احوال نیز دلالت بر اتکاب جرم کند، می توانند اقدامات

۱. حسینی، سید محسن؛ «امکان سنجی ایجاد سازمانهای غیر دولتی حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی»؛ محیط شناسی؛ شماره ۳۱؛ ۱۳۸۱؛ ص ۱۰۵.

لازم به منظور کشف و تعقیب جرم اقدام کنند. خوشبختانه در لایحه اخیر آیین دادرسی کیفری در راستای تقویت نقش سازمانهای غیر دولتی در فرایند کیفری و با هدف حمایت از بزه دیدگان جرائم خاص، بر حضور موثر و مفید آنان در فرایند دادرسی کیفری صحنه گذاشته است. حضور و مشارکت سازمانهای غیر دولتی آنگاه ضرورت خود را بیشتر آشکار می کند که در حقوق کیفری دارای جرائم بدون بزه دیده هستیم. به عبارت دیگر در این جرائم، بزه دیده ملموس و عینی ای همانند جرائمی مانند قتل، ضرب و جرح و سرقت وجود ندارد تا دعوای عمومی را تعقیب کند. بلکه دادسرا باید به نمایندگی از عموم مردم حسب مورد اقامه دعوای عمومی کند. زیرا اینچنین فرض می شود که در این جرائم عموم مردم از وقوع جرم متضرر شده اند نه شخص خاصی. در همین راستا به موجب ماده ۳-۱۲۲ لایحه آیین دادرسی کیفری، سازمانهای غیر دولتی ای که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و زنان، اشخاص بیمار و دارای ناراحتی جسمی یا ذهنی، محیط زیست منابع طبیعی، بهداشت عمومی و حقوق شهروندی است می توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت کنند و همچنین می توانند نسبت به آراء دادگاهها اعتراض کنند و در تبصره ۲ همین ماده مقرر شده است که ضابطان دادگستری و مقامات قضایی مکلفند، بزه دیدگان موضوع این ماده را از کمک سازمانهای غیر دولتی مربوط آگاه کنند. بنابراین ملاحظه می شود که در این ماده پیشنهادی از به رسمیت شناختن سازمانهای غیر دولتی به عنوان شاکی خودداری شده است؛ ولی در فرایند کیفری حق حضور در تمام مراحل دادرسی و نیز اعتراض به آراء برای آنها قائل شده است. از این ماده این گونه استنباط می شود که نویسندگان لایحه نقشی بنیابین شاکی و اعلام کننده جرم برای آنها در نظر گرفته اند.

به لحاظ مطالعه تطبیقی مطابق مقررات قانونی آیین دادرسی کیفری فرانسه از ماده ۱-۲ تا ۲۱-۲ مقررات مفصلی راجع به حمایت از انجمن های کمک به بزه دیدگان مقرر شده است، در صورت وجود برخی شرایط این انجمن ها می توانند نقش شاکی پیدا کنند و حتی می توانند اقامه دعوا کنند. بدین منظور در مقررات دادرسی کیفری کشور فرانسه این انجمن ها به بزه دیده و دادستان کمک شایانی در جهت وصول به

اهداف نظام عدالت کیفری می کنند. با اینکه در لایحه آیین دادرسی کیفری برخی اختیارات محدود به سازمانهای غیر دولتی واگذار شده است؛ اما تصویب همین موارد نیز گام مهمی در راستای مشارکت جامعه در فرایند کیفری تلقی می شود. برای اینکه مشارکت سازمانهای غیر دولتی در کشور ما نهادینه شود باید مقررات و قواعد خاصی برای اداره و نحوه حضور آنها در فرایند کیفری و جرائم زیست محیطی اختصاص داد. یکی از مهم ترین موضوعات در زمینه سازمانهای غیر دولتی، احراز صلاحیت و ویژگی های آنها است که باید به تأیید مراجع ذیربط برسد. به نظر می رسد در صورت تصویب لایحه آیین دادرسی کیفری باید میان قوه قضائیه و سازمان حفاظت از محیط زیست ارتباط تنگاتنگ و ویتقی برقرار شود تا جنبه های عملی و واقعیت های مربوط به سازمانهای غیر دولتی در ایران و نحوه احراز صلاحیت آنها مشخص شود. در هر صورت لایحه آیین دادرسی کیفری نقطه تحول را آغاز کرده است و باید سایر بخشها نیز همگام با این ابتکار اقدامات مناسب و لازم را انجام دهند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
اداره کل پژوهشهای علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



شروع گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
اداره کل پترال و مجله‌های علمی و فنی
پترال و مجله‌های علمی و فنی

<http://www.lri.ir>